

جایگاه انگیزه در حقوق کیفری

میرحسین کاویار، دانشجوی حقوق دانشگاه شهرکرد

آن چه در علم حقوق به آن پدیده ی جنایی^(۱) می گویند، تنها از سوی انسان و آن هم تنها در جوامع انسانی واقع می شود اما خوشبختانه اعمالی که از انسان سر می زند، منحصر به همین پدیده نیست. از انسان هزارات عمل خوب و بد دیگر صادر می شود که فقط یکی از آن ها پدیده ی جنایی نامیده می شود و مرتکب را در معرض مجازات یا اقدامات تأمینی قرار می دهد. بنابراین باید طریقه و روشی انتخاب گردد که به وسیله ی آن بتوان پدیده ی جنایی را از سایر اعمال انسانی تفکیک نمود. اصولیترین طریقی که برای تفکیک پدیده ی جنایی از سایر اعمال انسانی وجود دارد، همان «تعیین مجازات یا اقدامات تأمینی» برای پدیده ی جنایی است.

از آن جا که در ساختار فعلی حقوق ایران، صرفاً قانون حق تعیین مجازات را دارد. لذا اولین شرط پدیده ی جنایی وجود قانون است. مقنن در ماده (۲) قانون مجازات اسلامی مقرر داشته: «هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم محسوب می شود.» که به اصل «قانونی بودن جرایم و مجازات ها»^(۲) معروف است.

هیچ امری را نمی توان جرم دانست مگر آن که به موجب قانون برای آن مجازات یا اقدامات تأمینی یا تربیتی تعیین شده باشد. ولی وجود قانون به تنهایی برای در معرض مجازات قراردادن فرد، کافی نیست؛ بلکه شخص مرتکب باید عملاً مورد مجازات یا اقدامات تأمینی قرار گیرد «ارتکاب مادی عملی ممنوع» است نه داشتن مقاصد و افکار مجرمانه؛^(۳) لذا شرط دوم تحقق پدیده ی جنایی همان بروز و ظهور افکار مجرمانه و ارتکاب مادی عملی ممنوع است.

این شرط دوم را علما «عنصر مادی جرم» نامیده اند. مجموع دو عنصر قانونی و مادی کافی نیست که شخص مرتکب را در معرض مجازات قرار دهد بلکه شرط دیگری هم ضروری است و آن این که مرتکب با میل و اراده، عمل ممنوعه را انجام داده باشد یا حداقل در ارتکاب آن مرتکب بی احتیاطی یا بی مبالاتی شده باشد. این شرط سوم را دانشمندان «عنصر روانی جرم» نامیده و مجموع شرایط فوق الذکر را «عناصر سه گانه ی جرم» نامیده اند.^(۴)

آیا عناصر تشکیل دهنده ی جرم منحصر به همان عناصر سه گانه است؟ برخی از حقوق دانان^(۵) معتقدند که عناصر سه گانه ی مذکور، کافی برای تحقق پدیده ی جنایی نبوده بلکه وجود عنصر دیگری به نام عنصر غیر مشروع (Element Injuste) نیز ضروری است. آنان اضافه می نمایند که در بسیاری از موارد، از جمله دفاع مشروع باین که عناصر سه گانه

ی جرم وجود دارند، مع هذا موردی برای تعقیب و مجازات مرتکب نیست؛ زیرا در این مورد، عنصر چهارم یعنی همان عنصر غیر مشروع وجود ندارد. لیکن اکثریت دانشمندان فرانسوی با این نظر موافق نبوده و اظهار نظر می نمایند که اصولاً لازمه ی تحقق هر جرم آن است که در ارتکاب عمل جنبه های غیر مشروع وجود داشته باشد والا هر گاه خود مقنن به عللی از جمله دفاع مشروع، خاصیت جرم بودن را از عملی سلب نموده باشد، اصولاً نمی توان گفت که جرمی واقع شده است.

بنابراین آن چه را که «گارو» و دانشمندان آلمانی تحت عنوان «عنصر غیر مشروع» بیان نموده اند، در حقیقت همان «زوال یا فقدان عنصر قانونی» است؛ لذا به نظر ما بهتر آن است که عناصر تشکیل دهنده ی جرم را به همان عناصر سه گانه محدود نمود.

در این مقاله مجال بررسی عناصر مادی و قانونی جرایم را نداریم و اندک نظری به عنصر روانی می اندازیم؛ البته بررسی انگیزه و نقش آن در تکوین جرم. بنابراین با طرح چند سؤال بحث اصلی را آغاز می کنیم. جایگاه عنصر روانی در میان عناصر سه گانه ی تشکیل دهنده ی پدیده ی جنایی چیست؟ انگیزه چیست و جایگاه آن در تشکیل پدیده ی مجرمانه چیست؟ ارتباط عوامل مؤثر در رکن روانی (عمد و خطای جزایی) با انگیزه چیست؟

منبع عوامل بزه زا:

اما پیش از پاسخ گویی به این پرسش ها لازم است عوامل پدید آورنده ی پدیده جنایی بررسی شود.

ما مردمان مسلمان همیشه از خداوند عز وجل تقاضا می نماییم ما را از وسوسه و اغوای نفس بر حذر دارد؛ جملاتی از قبیل «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم» نمودار ترس و هراسی است که مسلمان از تسلیم به هوای نفس دارد. این وسوسه های شیطانی که حد اعلای آن انسان را به ارتکاب گناه و جرم وا می دارد چیست؟ از کجا آمده؟ آیا میزان و مقدار آن در همه یکی است؟ آیا ساختمان بدن و عوامل روانی در پیدایش و گسترش آن تأثیری دارد؟

دانشمندان معتقدند کلیه ی این عوامل اعم از عوامل زیستی و روانی و اجتماعی و فرهنگی در پیدایش بزه مؤثر بوده و هر کدام از آن ها می توانند کم و بیش در ارتکاب جرم مؤثر باشند؛ به همین علت هم کلیه ی این عوامل را عوامل بزه زا *Facteurs Criminogenes* نامیده و آن را به بخش های مختلف تقسیم نموده اند.

تقسیم بندی عوامل بزه را:

اولین کسانی که موضوع بزهکاری را مورد بررسی علمی قرار دادند، دانشمندان مکتب تحقیقی^(۶) بودند. آن‌ها با پیروی از فلسفه ی «آگوست کنت» که معتقد بود علت وقوع هر پدیده ای را کشف نموده، در صدد بر آمدند که برای وقوع جرایم علت سازی کنند. «انریکوفری» یکی از بینان گذاران مکتب مزبور، این علل را به دو دسته تقسیم بندی کرده است: علل مربوط به شخص بزه کار و علل مربوط به جامعه و فرهنگ و تعلیم و تربیت. دسته ی اول که به عوامل بزه زای داخلی Factuers endogens معروف اند؛ شامل کلیه ی عوامل انسانی و روانی اعم از ساختمان بدن، طرز کار غدد داخلی، ناراحتی های روانی، بیماری جسمی و مغزی و... می باشند. در صورتی که عوامل خارجی Factuers exogenes در خارج از شخص قرار داشته، شامل کلیه ی تأثیرات ناشی از محیط، اعم از خانوادگی، اجتماع، وضع اقتصاد و فرهنگ و ... می باشد.^(۷)

شرایط روانی تحقق پدیده ی جنایی (عنصر معنوی جرم)^(۸)

تعریف عنصر روانی:

منظور از عنصر روانی یا معنوی آن است که مرتکب عملی را که طبق قانون جرم شناخته شده با «قصد مجرمانه» انجام داده و یا آن که در ارتکاب آن عمل «مرتکب خبط و تقصیر جزایی» شده باشد.

تعریف فوق کاملترین تعریف از عنصر معنوی است. اما برای تحقق عنصر معنوی جرم شرایطی لازم است به قرار ذیل:

۱- اراده ی ارتکاب فعل؛

۲- قصد مجرمانه؛

اراده ی ارتکاب فعل:

خواستن یکی از مؤلفه های عنصر روانی و مبنای تقصیر است که اراده ی ارتکاب نیز گفته می شود. در کلیه ی جرایم اعم از عمدی یا غیر عمدی، اراده ارتکاب فعل وجود دارد و قانون گذار تنها انجام عمل ارادی را مجازات می کند. در عرف حقوقی گاه اراده را مرادف عمد به کار می برند که به منظور همان عمد در فعل به معنی خواستن فعل است و چون هر جرم علی الاصول بدون اراده واقع نمی شود، بنابراین اراده در تمام جرایم اعم از عمدی یا غیر عمدی و حتی در جرایم خلافی وجود دارد.

در صورت فقدان اراده ی ارتکاب فعل، تحقق جرم منتهی است. پس اگر شخصی دیگری را به شدت به جلو براند و در نتیجه ی این عمل، دست شخص اخیر به چشم ثالثی اصابت و او را مصدوم نماید، چنین حادثه ای مسئولیتی برای شخص دوم به وجود نمی آورد. از سوی دیگر اراده ی فعل مجرمانه باید با قصد مجرمانه یا خطای جزایی (بی احتیاطی، بی مبالاتی، عدم مهارت و عدم رعایت نظامات دولتی) توأم باشد و گرنه به علت فقدان عنصر روانی، عمل ارتكابی جرم تلقی نمی گردد.^(۹)

روان شناسان در تعریف اراده می گویند: «اراده عبارت است از قدرت و قوه ی درونی که انسان مختاری را به کار معینی وادار می کند. لذا اعمال ارادی آن دسته اعمالی هستند که پس از تأمل و تفکر برای غرض معین و معلومی به اختیار از انسان صادر می شود. اختلاف اعمال غریزی از اعمال ارادی آن است که در فعل غریزی، فاعل نتیجه ی عمل خود را در نظر نمی گیرد و نتیجه کار هم بر او معلوم نیست و حال آن که اعمال ارادی به منظور غرض مشخص از انسان صادر می شود و از این جهت از صفات مخصوص انسان است.»^(۱۰)

قصد مجرمانه

سوء نیت، سوء قصد، عمد و علم در مواد مختلف قانون جزا به یک معنی که شامل قصد مجرمانه بوده، به کار رفته است. بسیاری از دانشمندان قصد مجرمانه را «آگاهی و علم مرتکب به نقض قانون جزا» دانسته اند؛ مثلاً «ویدال» و «مانیول» می گویند «عمد آن است که کسی خواسته و دانسته مرتکب عملی شود برخلاف قانون جزا»^(۱۱) «امیل گارسون» آن را «معرفت فاعل جرم به نامشروع بودن عمل ارتكابی می داند».^(۱۲) این تعریف مورد قبول اکثر شارحین حقوق جزای فرانسه قرار گرفته است.^(۱۳)

ولی ما تصور می کنیم که تعریف فوق کامل نباشد؛ زیرا در هیچ یک از تعاریف به قصد نتیجه اشاره نشده است و حال آن که طبق آن چه در فوق گفته شد؛ علاوه بر آگاهی و یا اراده ی متهم، عامل دیگری به نام قصد نتیجه ضروری است؛ زیرا در برخی موارد از قبیل اجبار یا قوه ی قاهره «فورس ماژور»، مرتکب آگاهی کامل به نقض قانون جزا دارد لیکن چون فاقد سوء نیت است، مسئول کیفری نیست.

حقوق دانان ایرانی از جمله «دکتر گلدوزیان» قصد مجرمانه (عمد) را چنین تعریف می کند: «عمد عبارت است از هدایت اراده ی انسان به سوی منظوری که انجام یا عدم انجام آن را قانون گذار منع یا امر کرده است».

«دکتر اردبیلی» عمد را متضمن میل و تصمیم فاعل در رسیدن به نتیجه ی مجرمانه می داند.

در بررسی قصد مجرمانه- همان طور که از تعاریف فوق بر می آید- باید هم به فعل و هم به نتیجه ی مجرمانه توجه کرد. در ضمن لازم است بگوییم در جرایم عمدی، فعل و نتیجه ی آن هر دو، مورد اراده و خواست عامل است؛^(۱۴) یعنی قصد مجرمانه در جرایم عمدی وجود دارد.

سوء نیت یا قصد مجرمانه دارای درجاتی است.^(۱۵)

۱- قصد یا سوء نیت عام و قصد یا سوء نیت خاص؛

۲- سوء نیت ساده و سوء نیت مشدد؛

۳- سوء نیت جازم (مستقیم) و سوء نیت احتمالی (غیر مستقیم)؛

۴- سوء نیت معین و سوء نیت غیر معین.

از میان کلیات عمد آن چه که مربوط به بحث ماست، کیفیت اول می باشد. سوء نیت عام *Generl Dol* و سوء نیت خاص *Dol Special*:

سوء نیت عام عبارت از اراده ی آگاه عامل در ارتکاب جرم است اما این اراده همیشه به تنهایی کافی نیست؛ گاه قانون گذار وجود جرم را منوط به داشتن قصد مشخص و صریحی کرده که فاعل برای تحقق آن کوشیده است که به آن سوء نیت خاص یا سوء قصد می گویند.

سوء نیت خاص به جرایم عمدی اختصاص دارد؛ برای مثال در جرم قتل، صرف ایذا و آزار عمدی بزه دیده کفایت نمی کند، بلکه فاعل باید در تحصیل نتیجه ی خلاف قانون یعنی کشتن او نیز عاقد باشد تا بتوان فعل ارتكابی را قتل عمد شناخت. در حالی که در جرم ایراد ضرب و جرح وجود سوء نیت عام در فعل زدن کافی است و لازم نیست مرتکب قصد صدمه زدن داشته باشد تا ضارب شناخته شود.

انگیزه (Mobile)

مسأله ی قابل توجه آن است که عمد را نباید با انگیزه و غرض (داعی) اشتباه نمود. انگیزه عبارت است از کوشش درونی و میل پنهانی که انسان را به سوی عمل خاصی هدایت می نماید؛ بنابراین همیشه مقدم بر اراده است. قصد مجرمانه حاکی از اراده ی ارتکاب فعل یا ترک آن و همین طور اراده در کسب نتیجه ی زاییده ذهن قانون گذار است. بنابراین

قصد مجرمانه اعم از عام و خاص را باید در قانون جزا جستجو کرد و لذا در هر جرمی، مفهومی واحد یا ثابت دارد؛ مثلاً سوء نیت عام در کلیه ی قتل های عمدی از هاق نفس است ولی انگیزه یا داعی احساس یا نفع یا دفع ضرری است که بزهکار را به طرف ارتکاب جرم می کشاند. انگیزه، زاییده ذهن مجرم است؛ پس انگیزه را که اغلب به صورت خود آگاه می باشد باید درون مجرم جستجو کرد.

هیچ انسان عاقلی بدون هدف خاص و بدون انگیزه و غرض معین، به ارتکاب هیچ عملی، خاصه ارتکاب جرم مبادرت نمی نماید. انسان در ارتکاب جرم انگیزه ی خاص و مشخصی دارد. انگیزه در جرایم مختلف، متفاوت است و در میان مجرمین از یک جرم، نیز انگیزه های متفاوتی وجود دارد. گاه ممکن است انگیزه، نفع شخصی و جمع آوری مال و گاه ممکن است ارضای حس انتقام و خودخواهی و غرور باشد.

گاهی نیز ممکن است که این انگیزه ها ناشی از احساسات انسانی و بشر دوستانه باشد. کسی که مال و ثروت شخص متمول و لثیمی را می رباید تا بین مستمندان تقسیم کند، مادری که برای سیر کردن شکم گرسنه ی فرزندانش خود مرتکب سرقت می شود و یا طبیبی که برای پایان دادن به دردهای بی درمان و لاعلاج بیمار غیر قابل معالجه، او را از قید حیات می رهاند، مسلماً نفع شخصی نداشته و این اعمال را به خاطر حسرت بشر دوستانه انجام می دهند.^(۱۶)

اکنون بحث بر سر این است که در این قبیل موارد که مرتکب دارای هدف و انگیزه ی شرافتمندانه بوده، آیا باید او را مسئول دانست یا خیر؟ و آیا این انگیزه می تواند در عنصر معنوی جرایم و اراده ی مجرمانه مؤثر باشد یا خیر؟ در مورد انگیزه نیز مانند بسیاری از موارد دیگر در حقوق جزا، دانشمندان اتفاق نظر ندارند. علمای مکتب کلاسیک که در تعیین مسئولیت بیشتر به عمل ارتكابی توجه دارند تا به مرتکب، معتقدند انگیزه نباید تأثیری در زوال مسئولیت کیفری داشته باشد. آنان انگیزه و عمد را دو مقوله ی جدا از یک دیگر می دانند و معتقدند آن چه در تحقق جرم، واجد اهمیت است همان عمد و اراده مجرمانه است و وصف قانونی جرم به مجرد وجود عمد تحقق یافته است.

هر گاه کسی با آگاهی و شعور عمل خلاف قانونی را انجام دهد، مسئول است؛ خواه این امر را با انگیزه ی نیک انجام دهد یا انگیزه بد؛ زیرا آن چه برای جامعه اهمیت دارد، همان حفظ نظم عمومی است. هر گاه کسی این نظم را بر هم زند صرف نظر از انگیزه و غرض نهایی مسئول بوده و مستحق مجازات است.

بر عکس نظریه یاد شده، طرف داران مکتب تحقیقی (اثباتی) معتقدند آن چه برای جامعه و نظم وی خطرناک است، همان شخصیت مجرم است. نه عمل ارتكابی و چون انگیزه و داعی یکی از عوامل تعیین کننده ی شخصیت مجرم است لذا منطق حکم می کند نباید در تحقق جرم از آن چشم پوشید.^(۱۷)

به اعتقاد انریکوفری و دیگر پیشگامان این مکتب عمد اراده ی است که تحت تأثیر انگیزه یا داعی بزهکار شکل می گیرد.^(۱۸)

بنابراین دادگاه در هر مورد باید به انگیزه های نیک و بد بزهکار توجه کند و مجرم را در صورتی مستحق مجازات بداند که فعلش از احساسات پلید و منفی مایه می گیرد.

قانون گذار جزایی در ایران، انگیزه ی ارتكاب جرم را علی الاصول در ماهیت فعل مجرمانه بی تأثیر دانسته است. بنابراین منظور یا هدف نهایی و یا انگیزه ی فاعل در ارتكاب فعل هر چه باشد تأثیری در تصمیم و ارتكاب جرم توسط مرتکب ندارد. در سیستم کیفری ما دادرس ناگزیر است برای تعیین سوء نیت کیفری و میزان آن توجه خود را صرفاً به قصد سوء فاعل معطوف دارد.

با این همه به نظر عده ای از حقوق دانان قاعده ی عدم تأثیر انگیزه در نفس جرم، مطلق نیست. آن ها می گویند در مواردی استثنایی انگیزه در تحقق جرم مؤثر است؛ مثلاً دکتر محمد علی اردبیلی مثال برای گفته ی خود ذکر می کنند. ایشان می نویسند: «برای مثال به موجب ماده (۱۸) قانون مبارزه با مواد مخدر (مصوب ۱۳ آبان ۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام) هر گاه محرز شود که شخص با انگیزه و به قصد معتاد کردن دیگری باعث اعتیاد وی به مواد مخدر، در ماده (۸) شده است؛ برای بار اول به ۵ تا ۱۰ سال حبس و برای بار دوم تا ۲۰ سال حبس و در صورت تکرار به اعدام محکوم خواهد شد.»^(۱۹)

اختلاف شده است که آیا عبارت از «... با انگیزه و به قصد معتاد کردن دیگری...» ناظر است به انگیزه یا سوء نیت خاص به نظر ما انگیزه به هیچ عنوان در تکوین جرم اثر ندارد و برای مدعی خود مجبوریم انگیزه را از دید روان شناسی بشناسیم البته با شالوده حقوقی.

می دانیم که قلمروی انگیزه به علت وسعت مصادیق روانی بسیار گسترده تر از سوء نیت خاص است.

بهتر است با مثالی محسوس بحث را باز کنیم؛

انگیزه مثل بزرگ راه می ماند. شخص مجرم برای رهایی از تضاد و تعارض درونی اش در چندین بزرگ راه انگیزه می تواند وارد شود. بنابراین فرض کنید شخصی برای رهایی از تناقضات و تعارضات درونی اش می خواهد وارد یکی از بزرگ راه های انگیزه شود.

بزرگ راه اول: انگیزه ی انتقام با قتل؛

بزرگ راه دوم: انگیزه ی گفتگو؛

بزرگ راه سوم: انگیزه ی عصبانیت؛

بزرگ راه چهارم: انگیزه ی انتقام با اشاعه ی اکاذیب؛

بزرگ راه پنجم: انگیزه ی صبر و استقامت؛

و هزاران بزرگ راه دیگر

ولی از میان این چندین بزرگ راه، مسیر انتقام با قتل را بر می گزیند و وارد آن می شود.

همان طور که بزرگ راه هیچ گاه عابر را به درونش نمی کشاند و این عابر است که با اراده و خواست خودش وارد بزرگ راه می شود و به حرکت ادامه می دهد، در بحث روان شناختی مجرم هم باید بگوییم انگیزه ی انتقام هیچگاه مجرم را مجبور به انتخاب نمی کند؛ فقط چندین مسیر را پیش پایش باز می کند که از میان این چند مسیر ممکن است عده ی قلیلی به جرم ختم شود و این مجرم است که با خواست وارد بزرگ راه انتقام می شود و به حرکت ادامه می دهد تا این که نهایتاً در این بزرگ راه مرتکب جرم قتل می گردد. بزرگ راه تنها، مسیری است که شخص در آن قدم می گذارد.

خلاصه این که انگیزه به هیچ عنوان در تشکیل جرم اثر ندارد؛ حتی به صورت استثناء. در ضمن قبول نظر تحقیقی ها موجب خواهد شد که اعمال خلاف قانون و اوصاف مجرمانه ی جرایم منوط به اهداف و انگیزه های باطنی شخص مجرم باشد و جنبه ی اجتماعی و مفید بودن حقوق جزا فدای جنبه ی اخلاقی عدالت گردد و بدیهی است که قبول چنین نظریه ای بر خلاف مصلحت اجتماعی است؛ زیرا وقتی قانون عملی را جرم تلقی کرد و حقی را مورد حمایت قرار داد و حتی برای متجاوز به این حق مجازاتی را هم تعیین کرد، هدفش حمایت از این حق بوده است. حال اگر کسی برخلاف قانون رفتار نمود و این حق حمایت شده را مورد تعدی قرارداد، باید به خاطر همین تعدی و صرف نظر از انگیزه و هدف غایی وی مورد مجازات قرار گیرد.

حال با این تمهیدات به نظر ما قانون گذار در ماده (۱۸) قانون مبارزه با مواد مخدر انگیزه را در معنای حقیقی خود به کار نبرده و آن را با سوء نیت خاص (سوء قصد) مرادف دانسته است؛ یا اگر این عقیده را نپذیریم، در این ماده انگیزه و سوء نیت خاص یکی است. یعنی انگیزه و سوء قصد باید معتاد کردن دیگری باشد؛ چرا که مجرم بیشتر با انگیزه مأنوس است و کم تر با سوء نیت خاص. البته منظورم این نیست که سوء نیت خاص را اراده نمی کند بلکه سوء نیت خاص را اراده می کند ولی سوء نیت خاص ساخته ی ذهن مجرم نیست و مجرم با انگیزه انس بیشتری دارد؛ چون انگیزه حداقل برای مجرم نفعی را در بردارد و در موارد بسیار نادر و انگشت شماری از جمله ماده ی فوق انگیزه با سوء نیت خاص منطبق می شود؛ مثلاً چه اشکالی دارد مجرم قتلی را به این انگیزه انجام دهد که از مجنی علیه سلب حیات شود ولی زمانی که قانون گذار این موارد نادر را - که انگیزه با سوء نیت خاص منطبق است - به صورت نص در می آورد، اختلاف نظر پیش می آید.^(۲۰) بنابراین رابطه ی انگیز با سوء نیت خاص عام و خاص من وجه است.

حال که دیدیم انگیزه در تشکیل جرم هیچ اثری ندارد آیا در حقوق جزا به کل، اثری دیگر هم نباید بر آن قائل شد؟ درست است که انگیزه در تحقق جرایم تأثیری ندارد ولی از آن جا که چشم پوشی از این عامل هم صحیح نیست، خود مقنن در اصلاحات سال ۱۳۵۲ وجود انگیزه ی شرافتمندانه را یکی از موارد تخفیف مجازات دانسته است. ماده (۴۵) قانون مجازات عمومی به هنگام احصا موارد تخفیف مجازات در بند "۳" صراحتاً اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تأثیر آن ها مرتکب جرم شده؛ از قبیل رفتار تحریک آمیز مجنی علیه با وجود انگیزه ی شرافتمندانه در ارتکاب جرم را از موارد تخفیف مجازات محسوب نموده است.

در قانون مجازات اسلامی قانون گذار به قاضی این اجازه را داده که بتواند با توجه به علل و جهاتی مانند «انگیزه ی شرافتمندانه در ارتکاب جرم» (بند "۳" ماده (۲۲) ق.م.ا) میزان مجازات را تخفیف دهد. توجه قاضی به انگیزه ی مجرم در تعیین میزان مجازات منحصر به مورد اخیر نیست؛ در مواردی که قانون گذار مجازات بین حداقل و حداکثر تعیین کرده، انگیزه ی ارتکاب جرم ممکن است در شدت یا ضعف مجازات و نهایتاً حکم قاضی تأثیر بگذارد.

تأثیر انگیزه را بر تصمیم قاضی در مواردی که حکم به تعلیق مجازات صادر می کند نیز نمی توان انکار نمود (ماده (۲۵) ق.م.ا).

در تمام محکومیت های تعزیری قاضی می تواند مجازات را با احراز شروطی از ۲ تا ۵ سال معلق کند. یکی از این شروط دواعی موجهی است که مجرم را به ارتکاب جرم سوق داده است. قانون گذار با تعبیر عام «اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است» (بند ب ماده ۲۵ ق.م.ا) به قاضی اجازه داده در ضمن توجه به وضع عینی رویداد جنایی و میزان تأثیر عوامل گوناگون در ارتکاب جرم برای تحقق اهداف تأسیس تعلیق مجازات، وضع نفسانی بزهکار را در نظر بگیرد.

یکی از اهداف پیشرفته ی حقوق جزا تطبیق مجازات و عکس العمل های اجتماعی با شخصیت واقعی و حقیقی مجرمین است. دانشمندان و حقوق دانان، خصوصاً طرف داران مکتب دفاع اجتماعی نوین معتقدند که در هر محاکمه ی کیفری بایستی با تشکیل پرونده ی شخصیت، شخصیت واقعی و حقیقی مجرم کاملاً شناخته شود و متناسب با این شخصیت عکس العمل مناسبی در پیش گرفته شود.^(۲۱) از آن جا که انگیزه در تعیین و شناسایی شخصیت حقیقی و واقعی مجرم نقش مهمی بر عهده دارد، لذا محاکم باید برای انگیزه اهمیت فوق العاده ی قائل باشند.

پی نوشت ها:

۱- جامعترین تعریفی که از پدیده ی جنایی صورت گرفته و تقریباً مورد قبول اکثر حقوق دانان است؛ تعریف «کارارا»، دانشمند ایتالیایی، است. او پدیده ی جنایی را چنین تعریف می نماید: «نقض یکی از قوانین کشور بر اثر عمل خارجی شخص که متضمن ایفای وظیفه یا اعمال حقی نبوده و قانون هم برای آن مجازات تعیین نموده باشد».

به نقل از کتاب حقوق جزا و جرم شناسی، تألیف لایان بوزا و پنیاتل، چاپ ۱۹۶۳، جلد اول، ص ۱۲۹.

۲- اصل مذکور نخستین بار به هنگام تدوین متمم قانون اساسی (اصل ۱۲) در مورخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ ه.ق به پیروی از قوانین اروپایی در حقوق ایران مورد پذیرش واقع شد. قاعده ی قبح عقاب بلا بیان و آیه ۷ سوره ی مبارکه ی طلاق «لایکلف الله نفسا الا ما اتيها» دلالت بر پذیرش اصل مذکور در حقوق اسلامی دارد و سابقه ی اصل مذکور در حقوق اروپا به اعلامیه حقوق بشر ۱۷۸۹ باز می گردد؛ هم چنین رجوع کنید به اصل ۳۶ ق.ا جمهوری اسلامی ایران.

۳- در مورد مجازات «تفتیش عقاید» در دوران قرون وسطی رجوع کنید به حقوق در اروپا، دکتر شاپور زندی، حقوق در

اروپا، انتشارات دادگستر، ص ۲۸.

۴- برخی از حقوق دانان مجموع شرایط قانونی، مادی، روانی و معنوی را شرایط عمومی پدیده ی جنایی می نامند؛ در مقابل شرایط اختصاصی پدیده ی جنایی که عبارت است از شرایطی که مختص به یک جرم خاص بوده و موجب تمیز آن از سایر جرایم می شود؛ مثلاً شرط اختصاصی جرم قتل عبارت است از خاتمه دادن به حیات غیر، در جرم سرقت ربودن مال غیر و در جرم کلاهبرداری بردن مال غیر با توسل به وسایل متقلبانه.

ولی به نظر ما قراردادادن شرایط و عناصر تشکیل دهنده ی جرم در مقابل شرایط اختصاصی جرم اشتباه است؛ چرا که شرایط اختصاصی جرم مربوط می شود به تفکیک عنصر مادی جرم در قیاس با جرم دیگر. در حالی که عناصر سه گانه ی جرم، پایه و اساس (Base) تشکیل جرم بوده و ممیز پدیده جنایی از سایر پدیده های انسانی است.

۵- حقوق دانان آلمانی و بعضی دانشمندان فرانسوی از جمله «رو نه گارو».

۶- بانیان این مکتب بزه را بیماری اجتماعی تلقی کرده و معتقد بودند مجازات عکس العمل اجتماعی جرم است و بایستی وسیله ی دفاع جامعه علیه بیماری جرم باشد. نظریات دکتر «سزار لومبروزو» Lombrode Cesar، استاد پزشکی قانونی در تورن، اساس مکتب تحقیقی یا اثباتی را تشکیل داد. در فاصله ی کوتاهی بعد از وی استاد حقوق جزا «آنریکوفری» Ferri که تألیف اصلی او «افق های تازه در دادرسی جزایی» است و هم چنین یک قاضی به نام رافائل «گاروفالو» Garrofolo Raffaele مؤلف کتاب «جرم شناسی» به او پیوستند. خلاصه ی تئوری این سه نفر - که مبین سیاست کیفری مکتب تحقیقی ایتالیایی است - به قرار زیر است:

الف) نفی اختیار و آزادی اراده انسان؛

ب) میزان خطر مجرم برای جامعه؛

ج) تدابیر فردی مناسب با خطر اجتماعی بزهکار.

۷- برای مطالعه ی تفصیلی بحث عوامل پدید آورنده ی پدیده ی جنایی رک به دوره ی حقوق جزای عمومی، محسنی، دکتر مرتضی، جلد دوم، چاپ دوم، کتابخانه گنج دانش، سال ۱۳۸۲، ص ۴۱ به بعد.

۸- بعضی از شارحین حقوق جزا آن را عنصر اخلاقی نیز نامیده اند. رک به منبع قبلی، ص ۲۰۱

۹- فقط در یک مورد اراده ی ارتکاب فعل به تنهایی (با فقدان قصد و فقدان خطای جزایی) مؤثر و جرم است و آن مورد استثنایی، قتل، حرج و نقص عضوی است که به طور خطایی واقع می شود. برابر بند «الف» ماده (۲۹۵) ق.م.ا در صورتی

که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را مانند آن که تیری را به قصد شکار رها کند و به شخصی برخورد نماید، در این جا دیه ثابت می شود.

۱۰- سیاسی، دکتر علی اکبر، روان شناسی، صص ۴۴۷-۴۴۶.

۱۱- ویدال و مانیول، به نقل از کتاب عمد و خطا و آثار آن ها در حقوق جزا، اثر دکتر محمد علی کتابی، ص ۶۲.

۱۲- امیل گارسون، شرح قانون مجازات عمومی، ماده اول، شماره ۷۷.

۱۳- رساله ی حقوق جنایی، دون دیود و وابر، ص ۷۹ هم چنین رک به حقوق جزای عمومی، دکتر اردبیلی، محمد علی، جلد اول، چاپ چهارم، نشر میزان، سال ۱۳۸۱، ص ۲۳۵ به بعد.

۱۴- در کنار قصد مجرمانه، خطای جزایی یا تقصیر جزایی هم وجود دارد که عبارت است از اراده ی ارتکاب فعل بی آن که نتایج حاصل از آن منظور نظر وی باشد. عنصر معنوی در جرایمی چون جرایم ناشی از تخلفات رانندگی موضوع مواد (۷۱۴) به بعد ق.م.ا در فصل ۲۹ شامل خطای جزایی یا تقصیر جزایی (به جای سوء نیت) است.

۱۵- پیرامون بحث تفصیلی درجات قصد مجرمانه رک به بایسته های حقوق جزای عمومی، گلدوزیان، دکتر ایرج، چاپ هفتم، نشر میزان، سال ۱۳۸۲، ص ۲۰۹ به بعد، حقوق جزای عمومی، اردبیلی، دکتر محمد علی، ج نخست، صص ۲۴۲ به بعد.

۱۶- در چند سال قبل در فرانسه طبیبی به هنگام وضع حمل زنی دریافت که در اثر استعمال برخی از داروهای زیان آور از ناحیه ی مادر به هنگام بارداری، طفل متولد شده چیزی جز هیولای وحشتناکی نیست و به همین علت به خاطر جلوگیری از شوک مادر و علل دیگر با تزریق آمپول مرفین به حیات این هیولای تازه به دنیا آمده، خاتمه داد. با این که عمل طبیب انگیزه ای شرافتمندانه داشت، مع هذا محاکم فرانسه او را مجرم دانسته و به حبس تعلیقی محکوم نمودند.

۱۷- «لوبره» از طرفداران مکتب اثباتی می نویسد: «وجود مسئولیت کیفری منوط به دو شرط است: یکی حالت

خطرناک مجرم که با توجه به انگیزه و هدفش تعیین می شود و دیگری موقعیت و اقتضای مجازات» لوبره، لوبره، به نقل

از دوره حقوق جزای عمومی، محسنی، دکتر مرتضی، جلد دوم، چاپ دوم، کتابخانه گنج دانش، سال ۱۳۸۲، ص ۲۱۵ -.

۱۸-Criminille P.۶۲۸ et ss Ferri (E) Sociologie

۱۹- این ماده در قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن (مصوب ۱۷ آبان ۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام) حذف شده است. مثال دوم دکتر اردبیلی ماده (۶۹۸) قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) است. ر.ک به حقوق جزای عمومی، اردبیلی، دکتر محمد علی، جلد نخست، چاپ ششم، نشر میزان، سال ۱۳۸۳، تهران، ص ۲۴۰ و ۲۴۱.

۲۰- مورد دیگری که در آن انگیزه با سوء نیت خاص منطبق است، جرم موضوع ماده (۶۹۸) قانون مجازات اسلامی است.

۲۱- ر.ک به مقاله ی «جرم شناسی بالینی و تشکیل پرونده شخصیت» محسنی، دکتر محمدعلی، مجله ی حقوقی وزارت دادگستری، ش ۶، مورخ دی ماه ۱۳۵۲.